

اما چون این کار در زمان جنگ اثر بدی دارد، دستور اکیدی برای جلوگیری از آن صادر شده است. حالا وقتی یک شایعه‌سازی صورت می‌گیرد که از میان صد نفر، فقط دو نفرشان شناسایی شده‌اند و این موضوع برای اکثر مردم روشن نشده است، آن کسی که به قول روزنامه‌های طرفدار ایشان – که من نمی‌دانم، ان شاء الله و امیدوارم که این‌ها واقعاً از روی اخلاص طرفداری می‌کنند – از یک مبارز کهنه‌کار – به تعبیر خودشان – «امام» چه توقعی می‌تواند داشته باشد؟

اگر ما آمدم گفتیم که یک مشت فاشیست در رادیو و تلویزیون جمع شده‌اند و صدای آمریکا هم شب بعد با آب و تاب و تجزیه و تحلیل روی این جمله تکیه کرد، آیا معنایش این نیست که همه این روزنامه‌هایی هم که طرفداری می‌کنند، این‌ها خب اخبار جنگ می‌نویسند؛ معنایش این است که "میزان" دروغ می‌گوید، "کیهان" دروغ می‌گوید، "اطلاعات" دروغ می‌گوید، همه دروغ می‌گویند، چون ایشان حرفش این است که آنچه می‌گویند دروغ است.

آیا اگر ما آمدم گفتیم که در زمان ما، رادیو ما آمارگیری دقیق کردیم، دو درصد به رادیو بی‌بی‌سی گوش می‌دهند، اما حالا اکثراً می‌گیرند، این کار تشویق مردم به رادیو بی‌بی‌سی نیست؟ آیا در این شرایطی که مردم باید با فداکاری، بچه‌هایشان را و اموالشان را به جبهه‌های جنگ بفرستند، اگر گفتیم همه حرف‌ها دروغ است، معنایش این نیست که: مردم نفرستید؟ من نمی‌دانم بگویم که آقای قطب‌زاده در این جهت حسن نیت داشته یا سوءنیت، اما برداشت مردم از این مسئله چیست؟ شما که می‌گویید انجمن‌های اسلامی درست نیستند، دانشجویان پیرو خط امام (ره)، این‌ها توده‌ای‌ها و فدایی‌ها با آن‌ها قاطی شده‌اند؛ به اعدام‌ها

که حمله می‌کنی، به مصادره‌ها که حمله می‌کنی، پس چه چیزی دیگر در این مملکت می‌ماند و مردم به چه چیزی دل خوش باشند؟

تعجب اینجاست که چرا مردم و این افراد - عرض کردم، همان مردمی که آقایان درباره عکس‌العملشان سؤال فرمودید - نسبت به این مسئله چنین واکنشی دارند؛ در حالی که اکثریت قریب به اتفاق آن جمعیت فداکار، نه تنها ایرادی ندارند، بلکه اگر یک روز ایشان آزاد شود - که شاید ما به‌خاطر مسائلی که نمی‌توانم مطرح کنم، مجبور شویم ایشان را خیلی زود هم آزاد کنیم - آن وقت ممکن است خودشان گله‌مند باشند.

وقتی ما این افراد را می‌آوریم و با آن‌ها صحبت می‌کنیم و حرف‌هایشان را می‌شنویم، می‌بینیم مسئله‌ی آن‌ها جور دیگری است و حرف‌هایشان هم جور دیگری است. نمی‌دانم این روزنامه‌ها واقعاً به این مسائل توجه دارند یا اینکه بدون توجه به این مسائل هستند.

ما بعد از این که قضیه را شنیدیم. خب، چون دفعات متعددی اتفاق افتاده که افراد را خواستیم که بیایند توضیح بدهند، به محض اینکه می‌گوییم بیایند توضیح بدهند، فرار می‌کنند. همان‌جور که دیدید آقای مُبلغی فرار کردند دیگر. البته از مملکت فرار نکردند، اما خب فرار کردند. پس چه باید بکنیم؟ چاره‌ای نداریم؛ بفرستیم بیاوریم، بگوییم: «آقا، حرفت درست است، درست نیست؟ توجه داری، نداری؟» این کار کجایش خلاف قانون بوده است؟ و اصلاً من تعجب می‌کنم که چرا مردم توقع دارند، یعنی این دسته از مردم، که آقای قطب‌زاده‌ها چون وزیر بودند، چون در شورای انقلاب بودند، این‌ها هر کاری کردند، هیچ کسی نفس نکشد. پس این که همه می‌گوییم می‌خواهیم در مملکت، این شخصیت‌ها مانع پیشرفت و پیاده‌کردن صحیح عدل اسلامی نشوند، معنایش چیست؟

اصلاً چه امتیازی بین آقای قطب‌زاده و دیگران هست، از نظر موازین قضایی در این مملکت؟ آقایان، خواهش می‌کنم برای من توضیح بدهند که آیا فرقی هست یا نیست؟ اگر فرقی نیست، خب ایشان یک کاری کرده که همه قبول دارید اشتباه است، خودش هم قبول دارد. من با خودش ملاقات کردم، خودش هم قبول داشت اشتباه بوده، منتها توجیهی داشت که قرار نبوده حالا منتشر بشود. و وقتی یک کاری اشتباه شده، خب باید ما بیایم سؤال کنیم، رسیدگی کنیم.

پرسش

آقای قدوسی، آقای مبلغی اسلامی، دادستان انقلاب تهران، را دعوت به مناظره کردند. شما با توجه به این که می‌گویید ایشان فرار کرده‌اند، نظرتان درباره این دعوت چیست؟

پاسخ آقای قدوسی

این را هم ببینید آقا؛ از همین مسائلی است که متأسفانه در همین جوّ این مملکت تازه دارد پیدا می‌شود. آقا، متهمی؛ شایعه‌سازی کردی، به رادیو و تلویزیون اهانت کردی، به همه اهانت کردی. می‌گویند بیا سؤال را جواب بده؛ می‌روی می‌گویی: «آقا، بیا مناظره بکنیم.» اصلاً یعنی چه؟ پس این جور باشد، از این به بعد هر کسی خواست بگوید: «آقا، بیا ببینم اتهامت چیست»، می‌گویی: «آقا، بفرمایید مناظره بکنیم.» لابد فردا هم که خواست مناظره بکند، هزار تا شرط برایش می‌گذارد که نه کسی بگیردش، نه کسی بلند باهاش صحبت کند، تا ابداً مصونیت داشته باشد. اصلاً یعنی چه آقا؟ یک متهم است! اتهام داری، بیا جواب

بده. بعد بیا اتهامات را جواب بده، تبرئه بشو. بعد شما و این رادیو و تلویزیون و این سنت بدی که در این رادیو و تلویزیون این افراد می‌خواهند تحمیل کنند که هر مسئله‌ای را با مناظره می‌خواهند تمام کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتاب‌هایی که ملاحظه می‌فرمایید، با تعبیر خود آقای محمود جانزاده – که تعبیر می‌کند «این کوه کتاب» – کتاب‌هایی است که از طریق پست وارد ایران می‌شده. این مسئله که بیشتر این کتاب‌ها به زبان انگلیسی هستند و ایران نیز به این تعداد کتاب انگلیسی نیاز ندارد، توجه ما را جلب کرد. حتی اگر قرار باشد این کتاب‌ها برای ترجمه تهیه شوند، از هر عنوان یک جلد کافی است؛ بنابراین، مجبور شدیم موضوع را پیگیری کنیم.

نتیجه این شد که وقتی این کتاب‌ها را به اینجا منتقل کردیم (حدود ۳۲ تا بنز خاور)، همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، دیدیم شاید هشتاد و پنج درصد آن‌ها مربوط به آثار لنین، مارکس و انگلس است و کتاب‌های علمی در میان آن‌ها بسیار کم است.

از نظر معاملات و قیمت‌هایی هم که روی آن نوشته، همان‌جور که ملاحظه می‌کنید، کاملاً نشان می‌دهد که جنبه‌ی تبلیغاتی داشته و نه اینکه جنبه‌ی معاملی. خصوصاً که خود ایشان اصلاً اعتراف کرده است که، با اینکه ایشان نماینده‌ی رسمی آن‌ها بوده و سوابقی دارد با آن‌ها و روابطی دارد با آن‌ها که این موضوع به‌تنهایی باید رسیدگی بشود، اصلاً اعتراف می‌کند که سابقه ندارد این مقدار کتاب برای ما آمده باشد. اضافه می‌کند که ما اگر کتاب‌هایی را برای چاپ به آن‌جا می‌فرستیم، آن کتاب‌هایی که جنبه‌ی تبلیغاتی و سیاسی

دارد، چاپ می‌کنند با تیراژهای خیلی بالا می‌فرستند؛ اما اگر کتابی جنبه‌ی علمی و فنی دارد، این‌ها را برمی‌گردانند؛ یعنی عیناً کتاب را چاپ نکرده برمی‌گردانند.

این بود که کاملاً نشان می‌دهد این کتاب‌ها یا برای اینکه از اینجا به جای دیگری برود و یا برای اینکه به شکل دیگری در اختیار همه‌ی مردم گذاشته بشود. این مسئله‌ای است که در این شرایط خاص مملکت و این موقعیت سیاسی، توجه ما را جلب کرد و ما مجبور شدیم رسیدگی کنیم. پس از رسیدگی هم، همان‌جور که ملاحظه می‌فرمایید، هرکدام را باز می‌کنیم؛ هشتاد درصد، هفتاد و پنج درصد و حداقل دیگر همان هفتاد و پنج درصد است که کتاب‌های تبلیغاتی است و با تصریح ایشان در بازجویی‌ها که اصلاً سفارشی هم از ناحیه‌ی ایشان داده نشده برای این کتاب‌ها. این است که این مسئله باید در یک سطح خیلی دقیق بررسی بشود که ببینیم این آقایان این کتاب‌ها را به چه مناسبت وارد می‌کنند، یا آن‌هایی که وارد می‌کنند با چه حساب می‌فرستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائلی که به دنبال دستگیری و آزادی آقای قطب‌زاده در این روزها در میان جامعه موج‌های مختلفی پیدا کرده، خود بنده هم مایل بودم که مشروحاً مردم را در جریان واقعه بگذارم؛ چون زیاد تلفن می‌شد به من، بعد از آن مصاحبه‌ی تلویزیونی، که مطالب را روشن‌تر و واضح‌تر بیان کنید. این پرونده‌ای را که مربوط به تفهیم اتهام و جواب‌هایی است که بعد از بازجویی خیلی کوتاهی که از آقای قطب‌زاده گرفته شده و ایشان امضا کرده، حتی مایل بودم بعضی از عبارت‌هایش را به عینه در یک مصاحبه بخوانم برای مردم.

ولی با توجه به رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب و امام امت، مدظله‌العالی، و این نکته که الان دارم احساس می‌کنم این مسئله‌ای که روزنامه‌ها دارند تعقیب می‌کنند و مسائلی که به وجود می‌آورند، خیلی ساده نیست و به قول معروف گفته‌اند: «این مرده قابل این شیون نیست.» به نظر می‌آید دست‌هایی توی کار است که می‌خواهند در این شرایط، باز یک مقدار جو متشنجی ایجاد بشود و بنده هم، به خاطر همان مسئله‌ای که به عهده‌ام هست، از نظر وظیفه‌ی انقلابی خودمان که در شرایط مختلف بدانیم چه باید گفت و کجا باید حرف زد و کجا باید سکوت کرد، ترجیح می‌دهم که فعلاً در این مسئله اصلاً وارد نشویم و این مسئله را فعلاً تمام‌شده تلقی کنیم. ایشان هم که با کفالت فعلاً آزاد شده، پرونده‌اش هم مفتوح است و پرونده مختومه نیست. ان شاء الله اگر وضع جنگ یک‌خنده آرام گرفت و اوضاع مناسب شد، که این نگرانی‌ها _ که الان احساس می‌کنم _ از بین رفت، با مردم مطالب را مشروحاً در میان بگذاریم. ولی اجمالاً باید عرض کنم که اگر خدای ناکرده، آن جور که ما احساس می‌کنیم، غرض بعضی از افراد این است که دستگاه قوه‌ی قضایی، خصوصاً دادگاه‌های

انقلاب که امام امت مدظله، که زیاد روی آن تأکید دارد، تضعیف بشود، این را بدانند که ما این مسئله را تحمل نخواهیم کرد و به دنبال امر امام، تا آن جایی که وظیفه‌ی شرعی و اسلامی مان باشد، مسائل را تعقیب می‌کنیم و شخصیت‌ها نخواهند توانست که مانع این مسئله باشند.